

نقد کتاب پزشکی و اسلام در هند

(مستعمره) (۱۶۰۰-۱۹۰۰ م)

سیاوش یاری^۱

چکیده

علم و دانش از دیرباز در شبه قاره هند رشد و تعالی داشته و از این سرزمین به تمدن‌های همجوار منتقل گشته است. این میراث علمی که به دوره‌های بعد و از جمله عهد استعمار منتقل گشت، مؤلف کتاب «پزشکی و اسلام در هند مستعمره» را بر آن داشته تا ضمن عطف توجه به این موضوع، کم و کیف این رشته و شاخه‌های مرتبط با آن به خصوص در فضای رقابتی و گاه دشمنی بین استعمارگران بریتانیایی و بومیان هند از جمله هندوها و مسلمانان را مورد بررسی قرار دهد. مقاله پیش رو با رویکرد توصیفی-تحلیلی ضمن تحلیل محتوای مطالب و مضامین کتاب، در پی یافتن پاسخی به این پرسش است که کتاب فوق در حوزه‌های نقد بیرونی و درونی دارای چه مولفه‌ها و ویژگی‌هایی است و مولف تحت تاثیر کدام گفتمان پژوهشی و با چه رویکردی قلمفرسایی نموده است؟. نتایج پژوهش

^۱- دانشیار گروه تاریخ دانشگاه ایلام s.yari@ilam.ac.ir

نشان می دهد که وی در یک فضای سیاسی-فرهنگی و تحت تاثیر نظریه فوکو، دانش و قدرت را درهم آمیخته است و فرآیند تحولات پزشکی در این دوره را، کشاکش استعمار و ملل مستعمره می داند. مؤلف به ندرت از منابع اصلی فارسی و عربی و حتی اردو بهره برده و بیشتر به گزارشهای مأموران بریتانیا در هند اکتفا نموده است.

واژگان کلیدی: سیما علوی، پزشکی در هند،

استعمار بریتانیا، نقد

Abstract

Science and knowledge have long been flourishing in the Indian subcontinent and have been transferred from this land to neighboring civilizations. This scientific heritage, which was transferred to later periods, including the colonial era, prompted the author of the book "Medicine and Islam in Colonial India" to draw attention to this issue, the shortcomings of this field and related branches, especially in Examine the competitive and sometimes hostile atmosphere between British colonialists and Native Americans, including Hindus and Muslims. The present article, with its descriptive-analytical approach, while analyzing the content and contents of the book, seeks to find an answer to the question of what components and features the above book has in the fields of external and internal criticism and the author is influenced by which research discourse and With what approach has he written?

The results of the research show that in a political-cultural space and under the influence of Foucault's theory, he has combined knowledge and power and considers the process of medical developments in this period as a struggle between colonialism and colonial nations. The author has seldom used the main sources of Persian, Arabic, or even Urdu, and has been content with reports from British agents in India.

Key words: Sima Alawi, Medicine in India, British colonialism, Critisi.

۱- مقدمه

شبه قاره هند و حوضه رودهای گنگ و سند از مراکز کهن و مهم فرهنگ و تمدن بشری است. این خطه از جهان که به حق آن را شبه قاره نامیده‌اند از دیرباز دارای مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با دیگر مراکز تمدن بشری از جمله ایران، بین‌النهرین، چین و ... بوده است و با بهره‌گیری از روحیه تساهل و تسامح قومی و دینی همواره آغوش خود را به روی دست آورده‌های دیگر ملل باز گذاشته و خود نیز به ارتقاء دانش بشری پرداخته است. با ورود اسلام به ایران و شکل‌گیری تمدن اسلامی و مرکزیت بغداد به عنوان فرهنگ و تمدن اسلامی بسیاری از آثار و منابع علمی و ادبی هند به زبان عربی ترجمه گردید (جرجی زیدان، ۱۳۷۲: ص ۵۴۹). یکی از شاخه‌های مهم علم در این زمینه طب و پزشکی بوده است و این امر به خوبی گویای رونق علم و دانش و به خصوص علم طب در هند عصر باستان است. (ابن ابی اُصیبعه، 1998: ص ۲۳-۲۴).

با ورود مسلمانان به هند این سرزمین نیز تحت تأثیر آموزه‌ها و عوامل درونی و بیرونی دین اسلام و مسلمانان بخشی از تمدن اسلامی گردید و سهم مهمی در رونق فرهنگ و تمدن اسلامی را بر عهده گرفت. (صفا، ۱۳۶۹: ص ۱۲۰-۱۲۱). این امر به خصوص

در حوزه رود سند از اهمیت مضاعفی برخوردار است. بسیاری از دانشمندان و علمای اسلامی با پسوند السندی ... که شرح مفصلی از آنان در کتاب «رجال السند و الهند الی قرن سابع» نوشته مبارکبوری آمده، از این منطقه برخاسته اند. در کتب و منابع قرون سوم تا ورود استعمار بریتانیا، فهرست مطول و آثار بسیار زیادی از این علما را می‌توان نام برد.

با ورود استعمار بریتانیا به هند، شبه قاره وارد مرحله تازه‌ای از تاریخ، تمدن و فرهنگ خود گردید که تا امروز کم و بیش تحت تأثیر آن به حیات سیاسی خود ادامه می‌دهد. یکی از زمینه‌های علمی در این دوره که در کتاب پزشکی و اسلام در هند مستعمره، به آن پرداخته شده است، پزشکی و علوم و شاخه‌های وابسته به آن است. در این نوشتار سعی بر آن است که ضمن معرفی این اثر عناصر نقد بیرونی و درونی آن مورد کندوکاو و بازبینی قرار گیرد.

در اهمیت نقد به مثابه یک ضرورت انسانی و توجه به اینکه نقطه ثقل یک اندیشه متدیک محسوب می‌شود جای تردید نیست. چنانچه لوازم و مقتضیات مؤلفه‌های مفهومی نقد به درستی تحلیل شوند. آنگاه می‌توان به بحث تنظیم «منظومه نقد پژوهی» روی آورد و این امر را مقدمه انقلاب‌های علمی دیگر

قرار داد، یعنی زمینه سازی برای تحقق شبکه نقد علمی و اجتماعی و سپس تولید نظریه های علمی نوین با رویکردهای بومی (حسینی، ۱۳۹۳: ب).

تفکر انتقادی، تفکری است مستدل و منطقی، در راستای بررسی و تحلیل عقاید، تفکرات، نظرات و دیدگاه های دیگران و تصمیم گیری درباره آنها بر پایه اسناد و مدارک علمی و منطقی که این کار بر روند توسعه علمی جامعه جهانی سرعت می بخشد (هاشمیان نژاد، ۱۳۸۰: ۱۹۸).

از دهه ۱۹۸۰ اصطلاح نظریه انتقادی با تحلیل متن پیوند خورد و نویسندگانی چون فوکو^۲، دریدا^۳ و لیوتار^۴ آن را با ساختار گرایی، پساساختارگرایی و پسامدرنیسم مرتبط ساختند (ادگار و سجویک، ۱۳۸۸: ۵۱۸).

اهمین نقد در انقلابات علمی انکارناپذیر است، اما نقد نیز چون سایر رشته های علمی اصول و قواعد خاص خود را دارد. اطلاع از این اصول به همراه تجزیه و برخورداری از ذهنی پویا و نقاد به ما کمک می کند، تا گزارشی نقادانه و سازنده از یک اثر ارائه دهیم.

۱-۱- بیان مسئله و سؤالات تحقیق

^۲.Foucault

^۳.Derrida

^۴.Lyotard

شبه قاره هند به سبب ویژگی‌های خاص فرهنگی و دینی، در طول تاریخ همواره پذیرای بسیاری از اقوام و ملل گوناگون بوده است. آریایی‌ها، یونانی‌ها، ایرانیان، اعراب، ترکان و سرانجام انگلیسی‌ها و به طور کلی اروپایی‌ها از مهمترین اقوام و مللی بوده‌اند که در سطحی گسترده چه به عنوان مهاجر و چه مهاجم وارد این سرزمین و جذب آن شده‌اند. (ارشاد، ۱۳۷۹: صفحات مختلف) به مدد این ویژگی فرهنگی و دینی بدون تقابل نظامی حتی با اقوام مهاجم، دست‌آوردهای علمی و فرهنگی ملل مختلف را با بن مایه‌ها و درون مایه‌های فرهنگی و علمی بومی‌ها درهم آمیخته و به غنای علمی و فرهنگی خود افزوده‌اند و امروزه هند به یمن این تساهل و تسامح یکی از مراکز علمی و آموزشی دنیا محسوب می‌گردد.

یکی از شاخه‌های دانش بشری که حاکمان و طبقات مختلف از ازمینه قدیم برای کسب سلامتی خویش نیازمند و وابسته به آن بوده‌اند علم طب یا دانش پزشکی است. موضوعی که در کتاب مورد بررسی در مقاله حاضر به آن توجه شده و سیر تغییر و تحول این علم و نمایندگان و حامیان آن و مواجهه پزشکی نوین به نمایندگی بریتانیایی‌ها و بومیان هند و مسلمانان با آن بیان شده است. مؤلف کتاب، سیما علوی، گرچه فردی هندی است ولی سال‌ها در

انگلستان زندگی کرده و به خوبی با فرهنگ و تمدن غربی آشنایی داشته است. اینکه مؤلف تا چه حد در پی کشف حقایق علمی و بیان واقعیت‌های موجود در بستر تاریخ این دوره و به نظام و گفتمان علمی پایبند بوده است، مسئله‌ای است که در ادامه این مقاله به آن اشاره خواهد شد. علاوه بر مسئله محوری فوق در این مقاله سعی خواهد شد که به سؤالات ذیل پاسخ داده شود:

۱- در حوزه های نقد درونی دارای چه مولفه ها و ویژگی هایی است و مولف تحت تاثیر کدام گفتمان پژوهشی و با چه رویکردی قلمفرسایی نموده است؟

۲- از لحاظ شکلی (حوزه نقد بیرونی) کتاب دارای چه مؤلفه ها و ویژگی‌هایی می‌باشد: و آیا مترجم توانسته است اهداف مورد نظر مؤلف را با جملاتی رسا، ساده، روان و قابل فهم به خوانندگان فارسی زبان منتقل نماید؟

۳- از حیث روش تحقیق و فراتر از آن روش شناسی پژوهش، مؤلف تابع چه الزامات و چارچوب‌هایی علمی بوده است؟ و تا چه حد به منابع دست اول اعم از انگلیسی، فارسی و عربی به اقتضای موضوع کتاب دسترسی و یا تسلط داشته و از آنها بهره برده است؟

۴- مؤلف تا چه حد فارغ از تعصبات نژادی و دینی بی‌طرفی خود در ارائه مدعای پژوهش را حفظ نموده است؟

۴-۲- پیشینه پژوهش

در مورد پزشکی در شبه قاره و به ویژه بررسی تطبیقی پزشکی غرب با پزشکی بومی هند کتاب، پایان‌نامه و یا مقاله مستقلی نوشته نشده است. هر چند در لاب‌لای متون قدیمی و منابع کهن مطالب فراوانی در مورد علوم و فنون مختلف از جمله پزشکی و شاخه‌های مختلف آن یافت می‌شود. با این حال به برخی پژوهش‌ها نزدیک به موضوع کتاب و البته دوره قبل از استعمار می‌توان اشاره کرد: پایان‌نامه «تاریخ علوم در هند دوره گورکانیان» (۱۳۸۴) نگارش حسام‌الدین حجت‌زاده در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد به صورت کلی به تاریخچه علوم در شبه قاره و بسیار مختصر به پزشکی و شاخه‌های مختلف آن اشاره کرده است. روح‌الله بهرامی در مقاله «انتقال دانش پزشکی هندیان به عالم اسلام» (۱۳۸۵) در مجله تاریخ اسلام مطالبی راجع به دانش پزشکی هندی و ارتباط آن با تمدن اسلامی و بهره‌گیری مسلمانان از تجربیات پزشکان شبه قاره و دست آوردهای علمی آنان پرداخته است.

محمد غفوری در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر علمی- فرهنگی هند در دانش مسلمانان در سده‌های نخستین اسلامی» (۱۳۸۶) در مجله تاریخ اسلام به همین موضوع و کم و کیف آثار علمی هندی‌ها که به خصوص در دوره عباسیان و با همت خلفای دانش دوست و دست اندرکاران بیت الحکمه به عالم اسلام انتقال و ترجمه گردید، اشاره کرده است.

یوسف بیگ باباپور در مقاله‌ای با عنوان «از حکیم علوی خان شیرازی تا حکیم عقیلی شیرازی (نگاهی به خدمات پزشکی، بازشناسی هویت و آثار در پزشک ایرانی مقیم هند)» (۱۳۹۳) در مجله "پیام بهارستان" به خدمات ایرانیان به پزشکی هند اشاره کرده است. همان‌طور که مشاهده شد هیچ کدام از پژوهش‌های فوق با رویکرد تطبیقی به موضوع کتاب سیما علوی و به خصوص عصر استعمار اشاره نکرده‌اند و در واقع این کتاب در نوع خود فاقد پیشینه پژوهش است و به قول مؤلف "کتاب پزشکی و اسلام در هند مستعمره" اولین کوشش برای بیان تاریخچه سنت پزشکی مسلمانی- هند و تحول بعدی آن با قرار دادن در چارچوب زمانی پیشا استعماری و استعماری است. (علوی، ۱۳۹۶: ص ۲۵).

۲- معرفی کتاب و نقد بیرونی آن

با عنایت به اینکه «نقد هر کتابی تلاشی در خور برای درک آن است و به منظور درک درست هر کتاب

باید زمینه‌های بروز و ظهور آن، مانند نویسندگان، فضای حاکم بر کتاب یا گفتمان پژوهشی، انتشارات و عنوان را بررسی که آن را نقد بیرونی نامیده‌اند» (دهقانی، ۱۳۸۶: ص ۱). لذا در ابتدا موارد مذکور و همچنین مباحثی پیرامون ترجمه و معرفی کتاب مطرح می‌گردد:

۱-۲- مؤلف

نویسنده کتاب سیما علوی از اساتید و محققان هندی است که متأسفانه نه در مقدمه خود مؤلف و نه در مقدمه مترجم هیچ اشاره‌ای به زندگی نامه وی نشده است و تلاش برای یافتن مطلبی در مورد وی در فضای مجازی نیز بی نتیجه بود. از لابلای مطالب مقدمه‌ی خود مؤلف چنین برمی‌آید که وی می‌بایست اصالتاً اهل شمال هند و به طور مشخص شهر لکنهو بوده باشد. وی خود را از نوادگان دختری حکیم عبدالعزیز از حکیم‌های لکنهو می‌داند که فصل آخر کتاب خود را نیز به خدمات این خانواده به پزشکی در هند اختصاص داده است. وی در زمره محققان هندی است که ضمن تحصیل و تحقیق در غرب و به طور مشخص انگلستان آشنایی کامل با زبان انگلیسی و فرهنگ و تمدن غرب داشته است؛ هر چند وابستگی وی به موطن اصلی در سراسر کتاب به خوبی هویدا است و آشکارا در پی اثبات برتری جامعه هندی بر الگوهای غربی حتی در زمینه

پزشکی است. او در مقدمه کتاب می‌گوید: «من در این مطالعه توجه همگان را از برنامه‌های امپراتوری و دولت استعماری به بازیگران هندی معطوف ساخته‌ام. در این رویکرد مهارت هندی-اسلامی بیشتر از توان حکومت استعماری هند نقش آفرینی می‌کند. من نظر کسانی را که می‌گویند الگوهای غربی جوامع غیرنظامی وارد شده به هند به مثابه ابزار فرمانروایی و چیرگی استعماری به کار رفته‌اند بیشتر می‌پذیرم. این نگرش بر این واقعیت استوار است که مفاهیم استعماری نظیر «بهداشت عمومی» ریشه بومی در شبه قاره دارد» (علوی، ۱۳۹۶: ص ۳۱-۳۰). این سخنان به خوبی گویای این واقعیت است که هر متنی در فضای گفتمان ویژه خود آفریده می‌شود و لذا باید بر شرایط زمانی و مکانی تولید یک اثر یا پیام تأکید کرد که اصطلاحاً آن را تاریخت اثر می‌گویند» (دهقانی، ۱۳۸۶: ۲).

۲-۲- انتشارات

کتاب "پزشکی و اسلام در هند مستعمره (۱۶۰۰-۱۹۰۰ م.)" تألیف سیما علوی و ترجمه قربان بهزادیان نژاد در ۴۴۴ صفحه به سال ۱۳۹۶ توسط انتشارات پژوهشکده تاریخ اسلام چاپ شده است.

نسخه انگلیسی آن در دسترس نبود و مترجم نیز نه از مؤلف و نه از نسخه چاپی کتاب وی، هیچ سخنی

به میان نیاورده است. پژوهشکده تاریخ اسلام که بیش از دو دهه از تأسیس آن می‌گذرد تاکنون ده‌ها اثر پژوهشی را چاپ و منتشر ساخته است. این پژوهشکده دارای شش گروه علمی است و زیر نظر شورای علمی فعالیت می‌کند و امروزه، یکی از مهمترین مراکز پژوهشی تاریخ اسلام در ایران و جهان است و کتاب حاضر نیز یکی از منشورات این پژوهشکده در حوزه ترجمه است.

۲-۳- ترجمه کتاب

علی‌رغم تلاش مترجم متأسفانه ترجمه این اثر روان و قابل فهم نیست. تقریباً تمام جملات وحتى عنوان کتاب به درستی ترجمه نشده‌اند و فهم جملات خواننده را آزار داده و بسیاری از اوقات درک منظور مؤلف و حتی درک ظاهر جملات بسیار سخت و گاه ناممکن است. عنوان کتاب گرچه ترجمه تحت‌اللفظی نیست ولی باز هم منظور مؤلف را در بر نمی‌گیرد. در ترجمه فارسی عنوان کتاب چنین به نظر می‌رسد که گویی محتوای آن در مورد اسلام در شبه قاره است در حالی که هیچ مطلبی در مورد اسلام در هند در کتاب، نیست و منظور پزشکی اسلامی است نه خود اسلام. شاید اگر مترجم پزشکی اسلامی در هند مستعمره را به کار می‌برد و یا عناوین مشابه دیگر به منظور و اهداف و محتوا متن نزدیکتر بود و البته اگر قرار بر این بود که مترجم پایبند لغات و اصطلاحات متن اصلی نباشد عنوان «پزشکی در هند عصر استعمار» مناسبتر به نظر می‌رسد. مترجم در پایان هر فصل فهرست ارجاعات را به فارسی ترجمه نموده ولی در فهرست منابع و مآخذ آخر کتاب فهرست‌ها به زبان اصلی یعنی انگلیسی آورده است. معلوم نیست علت این دوگانگی چیست.

۴- نقد عناصر درونی

هر اثر در فضای گفتمانی خاصی شکل می‌گیرد که تحت تأثیر شرایط زمانی و مکانی خاص آن اثر است در واقع در تعامل و گاه تقابل افق دید مؤلف و فضای موجود عصری که در آن زندگی می‌کند اثر شکل می‌گیرد. سیما علوی مؤلف این کتاب که خود هندی است مدت‌ها در انگلستان تحصیل و زندگی می‌کرده و با غرب به خوبی آشنا بوده است با این حال رویکرد وی در تألیف این اثر اثبات شایستگی پزشکی و تمدن هندی در برابر تمدن غرب است و در جای جای اثر خویش این وابستگی و عدم بی‌طرفی را به وضوح نشان داده است. (علوی، ۱۳۹۶: ص ۳۰ و دیگر صفحات).

۴-۱- موضوع کتاب و مهندسی محتوای آن

کتاب «پزشکی و اسلام در هند مستعمره» شامل سخن ابتدایی سیدهادی خامنه ای در مورد اهداف و کارکرد پژوهشکده تاریخ اسلام (ناشر نسخه فارسی کتاب)، مقدمه مترجم، پیشگفتار و مقدمه از مولف و هفت فصل به شرح ذیل تهیه و تدوین گشته است:

فصل اول: پزشکی هندی- اسلامی [پزشکی] یونانی در هند پیشامدرن

فصل دوم: مواجهه با غرب، کمپانی هند شرقی انگلیس

فصل سوم: کارکرد پزشکی، رفاه عمومی

فصل چهارم: درمانگاه‌ها، شفاخانه‌ها و حوزه‌های علمیه

فصل پنجم: متون پزشکی اواخر قرن نوزدهم به زبان اردو

فصل ششم: حکیمان جدلی، مطبوعات و نوسازی پزشکی یونانی

فصل هفتم: از جاواین، تولا تا تکمیل الطب لکنهو

در پایان کتاب نیز نتیجه‌گیری، کتاب شناسی، نمایه اشخاص، اماکن، کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مقالات، داروها و گیاهان دارویی آورده شده است. عناوین و تقسیم بندی فصول نشان می‌دهد که مؤلف در تدوین اثر خود تابع الزامات کرونولوژیکی و زمانبندی تاریخی نبوده است و برخلاف عنوان کتاب هیچ فرآیند تاریخی را نشان نمی‌دهد. در واقع پژوهش وی خواننده را با سیر تغییر و تحولات در سه قرنی که مؤلف ادعای آن را دارد آشنا نمی‌کند. در عین حال مؤلف به طور واضح منظور خود را از پزشکی یونانی و تفاوت آن با پزشکی اسلامی بیان نکرده و معلوم نیست منظور وی از پزشکی بومی کدامیک از این دو است و آیا تلفیقی از این دو مورد نظر است.

۲-۴- تبیین موضوع و هدف متن

مؤلف با نگاه و رویکردی سیاسی- اجتماعی مسئله پزشکی و بهداشت را مورد بررسی و واکاوی قرار داده و گفتمان‌های مختلف استعماری انگلیس، بومی هندی، ایرانی، عربی و به طور کلی اسلامی را در تقابل و تعامل با یکدیگر کندوکاو نموده است. به اذعان خود مؤلف: «مطالب کتاب به شدت متکی به دیدگاه محققانی است که نظریه فوکویی دانش و قدرت را در مطالعات استعماری در هم می‌آمیزند» (علوی، ۱۳۹۶: ص ۳۳).

به زعم مؤلف استعمار انگلیس همه چیز و همه کس و به خصوص در این مورد خاص دانش پزشکی را در خدمت قدرت و حفظ سلطه استعماری به کار گرفته است و این خود به خوبی گویای سختی و پیچیدگی بررسی فعالیت‌ها و عملکرد سیاسی استعمارگران حتی در بخش اقدامات عام‌المنفعه و حوزه‌هایی از فعالیت است که به ظاهر کاملاً غیر سیاسی است.

تأکید نویسنده بر تأثیر و تأثر پزشکی و سیاست است و بر بهم تنیدگی این امر تأکید می‌کند (علوی، ۱۳۹۶: ص ۲۷، ۲۸ و دیگر صفحات).

مؤلف همچنین بر تأثیر متون و نویسندگان پزشکی بر فرهنگ و جامعه و حتی هنجارهای مدنی اشاره می‌کند (ص ۲۸) و می‌گوید: «در هند دوره مغول، متون پزشکی نمودی از رفتار اجتماعی و مدنیت است» (ص ۲۷). وی در ادامه می‌وید که هم چنین در این عصر، آداب اجتماعی ایرانی متأثر از فرهنگ اشرافیت مورد توجه قرار گرفت و به عنوان الگوی سلامت مطرح گردید. در واقع از این منظر انسان کامل کسی بود که نه تنها سلامت جسمانی دارد بلکه در رفتار انسانی نیز کامل است و در واقع، باز ارتباط سلامت با بهزیستی روانی و اخلاقی مطرح می‌شود؛ یعنی طب جسمانی در کنار طب نفسانی مطرح می‌گردد. (همان، ص ۲۷۹-۲۸۰)

جامعه هند به جامعه‌ای چند وجهی با اقشار و ادیان مختلف و همزیستی پیروان عقاید، افکار و ادیان گوناگون از بت پرستی تا خدا پرستی معروف و مشهور است. طبیعی است که واکنش این اقشار در تغییرات و تحولات جدید و ورود فرهنگ غرب به هند یکسان نبوده است. برخی به پیروی از غرب گرایش پیدا کرده و اخذ تمدن غربی را چاره کار و علاج درمان عقب ماندگی جامعه دانسته‌اند که این دسته عموماً روشنفکران و تحصیلگران خود غرب و یا تحت تأثیر فرهنگ غرب هستند. عده‌ای در هند که بیشتر علمای مسلمان بودند رجوع به سنت و بازگشت به سنت‌های اسلامی و دینی را چاره ساز می‌دانستند و گاه با خلق جریان فکری- فرهنگی و گاه با تشکیل احزاب و تشکلهای سیاسی و حتی نظامی چشم به اهداف خود در مبارزه با استعمار دوخته‌اند. در

این دوره و در رد غرب و در برابر پزشکی غربی، طب النبی را مطرح ساختند. مولف کتاب که با چنین فضایی آشنا بوده ولی شیوه آموزش مسلمانان را مورد حمله قرار داده است:

«چشم انداز آموزش مسلمانان در حوزه های علمیه، اعم از نوع دینی و عرفی، اثبات می‌کند که نخبگان اسلامی در این دوره یک فضای فرهنگی انحصاراً اسلامی به وجود آوردند. این فضای فرهنگی بین نخبگان اجتماعی منطقه تفرقه انداخته و عقایدی از تعارض با سیاست‌های ملی‌گرایانه‌ای که در گردهمایی‌های مسلمانان ارایه می‌گردید در آن دیده شده است. (همان، ص ۴۰). وی می‌گوید که روشنفکر مسلمان قرن نوزدهم با دو جهان روبرو بوده است: یکی اخلاق پزشکی پیشا استعماری و دیگری سنت‌های غربی که به راحتی توسط بریتانیایی‌ها عرضه می‌گردید. وی پزشکی یونانی در هند را به مثابه پزشکی ملی و موقعیتی برای به جریان انداختن ملی‌گرایی اقلیتی می‌داند که با شاخه‌های جماعت‌گرایی مسلمانان و جهان‌گرایی اسلامی دسته و پنجه نرم کرد.

مؤلف، کتاب را «روایتی از داستان پزشکان مسلمان و شاگردان آنها که با رویکرد تازه شرایط را تفسیر کرده‌اند» می‌داند که همین موضوع آنها را متمایل می‌سازد «تا به جهان‌گرایی اسلامی، جماعت‌گرایی مسلمانی و ضدیت با استعمارگرایی که مرزهای عرفی، ملی و جهانی را مبهم ساخت روی آورند». (علوی، ۱۳۹۷: ص ۴۰۵). ظاهراً مولف سه نوع پزشکی را در این دوره برجسته و مطرح دانسته است: یکی غربی و استعماری، دیگری یونانی یا بومی با قدمت دوره باستان هند و دیگری اسلامی- هندی.

سراسر فصول مختلف کتاب داستان رقابت پزشکان غربی و بومی در عرصه‌های مختلف پزشکی و شاخه‌های مختلف آن است که مؤلف آشکار و پنهان رویکرد جانبدارانه خود نسبت به پزشکی بومی را نشان می‌دهد؛ ولی هر از چند گاهی به دفاع از عملکرد بریتانیا در حوزه پزشکی در هند نیز می‌پردازد (همان: ص ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۵ و دیگر صفحات).

مؤلف کتاب پزشکی و اسلام در هند مستعمره بر این باور است که بین پزشکی و نظام پادشاهی ارتباطی وثیق قائل است و یکی از عوامل اصلی رونق پزشکی در هند را این امر می‌داند:

"رونق پزشکی یونانی تحت حمایت امپراتوری مغول، از ارتباط آن با پادشاهی ناشی می‌شود، زیرا دانش پزشکی به ساختارهای حکومت اشرافی، درباری ها، معلمان افراد رده بالا و گرایش به نوشتن به زبان نخبگی امپراتوری وابسته است" (همان، ص ۵۷). وی ادامه می‌دهد که:

...پزشکان ایرانی... از راه نوشته‌های خود به مشروعیت اقتدار پادشاهی کمک می‌کردند. (همانجا) طبق اندیشه یونانی پزشکی، پادشاه فرمانروای جامعه و ضامن هدایت آن است و پزشک نیز بدن انسان و سلامت وی را ضمانت می‌کند. در واقع یکی حاکم جامعه و دیگری حاکم بدن انسان است و همان طور که بیمار از پزشک و نسخه وی پیروی می‌کند افراد جامعه نیز می‌بایست از پادشاه تبعیت کنند و این فرمانبرداری ضامن سلامت و سعادت آنان است. "این گونه تلفیق کردن نظریه پزشکی و اندیشه سیاسی که پزشکان مغول و نظریه پردازان سیاسی آن را ارائه کرده اند، تعجب آور نیست." (همان، ص ۵۹)

۳-۴- ارزیابی داده‌ها و منابع

بررسی محتوای کتاب و منابع و مآخذ مورد استفاده نشان می‌دهد که مولف به ندرت از منابع دست اول عربی، فارسی و حتی اردو بهره برده و بیشتر به گزارش‌های مأموران سیاسی بریتانیا و دیگر پژوهش‌های انگلیسی زبان اکتفا نموده است. از دیگر سو گرچه عنوان کتاب کل هند را به ذهن متبادر می‌کند ولی از حیث محتوایی حوزه پژوهش این اثر عمدتاً شمال هند است و بسیاری از ایالات در جای جای هند اساساً مورد توجه و بررسی مؤلف قرار نگرفته است. گرچه مؤلف مدعی استفاده از منابع مختلف و حتی زبان‌های گوناگون در هند و انگلستان و از جمله منابع فارسی و اردو است؛ ولی ارجاعات و پایان فصل‌ها و فهرست منابع در پایان کتاب به خوبی نشان می‌دهد که منابع اصلی به زبان‌های فارسی، عربی و حتی اردو به ندرت مورد استفاده قرار گرفته‌اند. ارجاعات مکرر و متوالی به یک منبع خاص از دیگر ویژگی‌های این اثر است. در فصل پنجم و دیگر فصول موارد مکرر ارجاع متوالی بیش از ۱۰ یا ۱۵ به یک منبع و در فصل پنجم حتی بیش از این عدد نیز موجود است و این خود به خوبی گویای این واقعیت است که مؤلف دستی پر برای استفاده و ارجاع به منابع نداشته است. گرچه دوره مورد بحث و عنوان پژوهش، دوره تاریخی مشخص، یعنی عصر استعمار را نشان می‌دهد ولی تقریباً هیچ استفاده‌ای از منابع تاریخی این دوره نشده است و به ارجاع به گزارش‌های مأموران بریتانیایی در این دوره اکتفا شده است. با این که فصل سوم کتاب قرن هشتم تا پانزدهم میلادی (دوم تا هشتم هجری قمری) را در برمی‌گیرد باز هیچ ارجاعی به منابع و متون کهن و تاریخی در

آن دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد مؤلف هیچ گونه تسلط و حتی آشنایی با زبان‌های فارسی و عربی نداشته و به ناچار به پژوهش‌های جدید که به زبان انگلیسی نگاشته شده اکتفا کرده است. از کل ارجاعات فصل ششم که ۱۴۷ مورد است بیش از ۱۰۰ (یکصد) مورد آن به یک منبع است و همین فصل، خود به خوبی گویای بسیاری از حقایق در مورد کتاب است.

نتیجه

کتاب «پزشکی و اسلام در هند مستعمره (۱۶۰۰ تا ۱۹۰۰ م) در فضای گفتمانی خاص هند در دوره استقلال این کشور به رشته تحریر درآمده است. این اثر که در هفت فصل، سیر تحول پزشکی هند در دوره پیشا استعماری و عصر استعمار را مورد بررسی قرار داده، به خوبی بازتابی از جامعه هند با ادیان و افکار گوناگون در این دوره است. گرچه مترجم نتوانسته به خوبی مفاهیم و اهداف مورد نظر مؤلف را به خوانندگان فارسی زبان منتقل نماید؛ ولی مؤلف در تمام فصول و حتی در مقدمه و نتیجه کتاب، به خوبی فضای رقابتی و گاه دشمنی جامعه پزشکی هند با استعمار انگلیس حتی در بخش علمی و پزشکی آن را به قلم آورده است. ورود صنعت چاپ و دیر مظاهر فرهنگ غرب و نقش آن در رشد و اعتلای فرهنگ سلامت، بهزیستی و شاخه های مختلف پزشکی در دو سه فصل آخر به خوبی تحلیل و ترسیم گشته است. مؤلف پایبند الزامات ارائه زمانمند و به اصطلاح کرونولوژیک ارائه فصول مختلف کتاب نبوده و موضوع پزشکی و شاخه های مختلف آن را به عنوان یک موضوع کلی در این دوره مورد توجه قرار داده و به عنوان یک فرآیند تاریخی آن را ترسیم ننموده است. هر چند گاه به تعریف و تمجید از پزشکی و پزشکان غربی در شبه قاره پرداخته ولی در لابلای سطور تمام فصول کتاب، به وضوح رویکرد بومی و تعصب ملی را می توان مشاهده کرد. به علاوه مؤلف با رویکرد سیاسی- اجتماعی مسئله پزشکی و بهداشت را مورد بررسی و کند و کاو قرار داده و گفتمان های مختلف استعماری انگلیس، بومی هندی، ایرانی، عربی و به طور کلی اسلامی را در تعامل و تقابل با یکدیگر

بررسی نموده است و به اذعان خود مؤلف «مطالب کتاب به شدت متکی به دیدگاه کسانی است که نظریه فوکویی و دانش و قدرت را در مطالعات استعماری در هم می‌آمیزند». به زعم مؤلف، استعمار انگلیس همه چیز و همه کس و به خصوص در این مورد خاص دانش پزشکی را در خدمت قدرت و حفظ سلطه استعماری به کار گرفته است. وی هم چنین گفتمان بومی - اسلامی پزشکی (طب النبوی) که سلامت جسمانی را تابعی از سلامت روانی و اخلاقی دانسته و طب جسمانی را در کنار طب نفسانی قرار داده، در فصل‌های مخلف مورد بحث قرار داده است. یکی دیگر از الگوهای سلامت در این عصر، آداب اجتماعی ایرانی متأثر از فرهنگ اشرافیت است که مولف به آن می‌پردازد.

فهرست منابع و مآخذ

- ابن ابی اُصیبعه (۱۹۹۸ م.) ، **عیون الأنساء فی طبقات الاطبا**، ضبطه و صححه، و وضع فهارسه محمد باسل السود، بیروت، منشورات محمد علی بیضون، دارالکتب العلمیه،
- ادگار، اندرو و پیترسجویک (۱۳۸۸)، **مفاهیم کلیدی در نظریه فرهنگ**، ترجمه ناصرالدین علی نقویان، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ارشاد، فرهنگ (۱۳۷۹)، **مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند**، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بهرامی، روح‌الله (۱۳۸۵)، **انتقال دانش پزشکی هندیان به عالم اسلام**، مجله تاریخ اسلام، شماره ۲۵، سال ۱۳۸۵.
- بیگ باباپور، یوسف (۱۳۹۳)، **از حکیم علوی خان شیرازی تا حکیم عقیلی شیرازی (نگاهی به خدمات پزشکی، بازشناسی هویت و آثار دو پزشک ایرانی مقیم هند)**، مجله پیام بهارستان، دوره دوم، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۲۲۸-۲۳۹.
- جرجی زیدان، (۱۳۷۲)، **تاریخ تمدن اسلامی**، ترجمه علی جواهر کلام تهران، امیرکبیر.

- حجتزاده، حسام‌الدین (۱۳۸۴)، **تاریخ علوم در هند دوره گورکانیان**، به راهنمایی حسین، الهی، مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه تاریخ تمدن و ملل اسلامی.

- حسینی، سیدحسن (۱۳۹۳)، **پیشگفتار نقدنامه‌های علمی گروه‌های تخصصی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی**، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- دهقانی، رضا (۱۳۸۶)، **اصول نقد اثر و تحلیل محتوا**، سایت سازمان تبلیغات اسلامی به آدرس <http://old.Ido.ir/a.aspx? = 1386010101>

- ذبیح‌الله صفا (۱۳۶۹)، **تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا قرن چهارم**، تهران، دانشگاه تهران.

- علوی، سیما (۱۳۹۶)، **پزشکی و اسلام در هند مستعمره**، ترجمه دکتر قربان بهزادیان نژاد، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.

- غفوری، محمد (۱۳۸۶)، **تأثیر علمی- فرهنگی هند در دانش مسلمانان در سده‌های نخستین اسلامی**، مجله تاریخ اسلام، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۸۶، صص ۱۲۳ تا ۱۴۶.

- مبارکبوري ، قاضي ابوالمعالي اطهر (۱۳۷۷ هـ.ق)، رجال السنند و الهند الي القرن السابع، بمبئي، المطبعه الحجازيه،
- هاشميان نژاد، فريده (۱۳۸۰)، ارئه
چارچوبهايي نظري در خصوص برنامه درسي مبتني بر
تفكر انتقادي در دوره ابتدائي با تأكيد بر
برنامه درسي مطالعات اجتماعي، رساله دكترى،
دانشگاه آزاد اسلامي واحد علوم و تحقيقات.
پزشكي و اسلام در هند مستعمره (۱۶۰۰-۱۹۰۰ م)
نوشته سيما علوي، ترجمه قربان بهزاديان نژاد،
تهران، پژوهشكده تاريخ اسلام، چاپ اول ۱۳۹۶